



The Confrontation between Universalism and Relativism of Human Rights within the Framework of the Role of UNESCO and Islamic teachings

Ayoub Dehghan¹, Manochehr Ahadifar^{2*}

1. (Department of Political Science - Public Policy, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

2. Department of Public International Law, Zanzan Branch, Islamic Azad University, Zanzan, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 55-72

Article history:

Received: 25 Mar 2025

Edition: 2 May 2025

Accepted: 30 May 2025

Published online: 22 Jun 2025

Keywords:

Human rights, UNESCO, relativism, cultural diversity, Islamic human rights.

Corresponding Author:

Manochehr Ahadifar

Address:

Iran, Zanzan, Islamic Azad University, Zanzan Branch, Department of Public International Law.

Orchid Code:

0009-0005-5465-3503

Email:

manochehrahadifar@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Universal human rights and regional or relative human rights are two approaches to the process of human rights normization. The aim of this study is to explain the role of UNESCO in these two approaches, taking into account Islamic teachings.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Relativism in the human rights arena currently has more supporters among theorists. Also, international practice and the process of approving international documents indicate UNESCO's choice towards relativism. On the other hand, cultural diversity and respect for different customs and traditions have also been recognized in Islamic teachings.

Conclusion: The Islamic approach to human rights, long before the modern trends in international human rights, has emphasized the need to respect cultural diversity, and this is explicitly mentioned directly in the main source of Islam, the Holy Quran.

Cite this article as:

The Confrontation between Universalism and Relativism of Human Rights within the Framework of the Role of UNESCO and Islamic teachings. Jurisprudential Research on Human Rights. 2025.



دوره دوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴

تقابل جهان‌شمولی و نسبیت‌گرایی حقوق بشر در چهارچوب نقش یونسکو و آموزه‌های اسلامی

ایوب دهقان^۱، منوچهر احدی‌فر^۲*

۱. گروه علوم سیاسی- سیاست‌گذاری عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

۲. گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، زنجان، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: حقوق بشر جهان‌شمول و حقوق بشر منطقه‌ای و یا نسبی دو رویکرد به فرآیند هنجارسازی حقوق بشر محسوب می‌شوند. هدف از پژوهش حاضر تبیین نقش یونسکو به این دو رویکرد با در نظر گرفتن آموزه‌های اسلامی می‌باشد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: نسبیت‌گرایی در فضای حقوق بشر در حال حاضر دارای طرفداران بیشتری در میان نظریه‌پردازان می‌باشد. همچنین رویه بین‌المللی و روند تصویب اسناد بین‌المللی نشان از گرایش یونسکو به سمت نسبیت‌گرایی دارد. از طرفی نیز تنوع فرهنگی و احترام به آداب و سنن مختلف در آموزه‌های اسلامی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

نتیجه: رویکرد اسلامی به حقوق بشر بسیار قبل‌تر از گرایش‌های نوین حقوق بشر بین‌المللی، ضرورت احترام به تنوع فرهنگی را مورد اشاره و تأکید قرار داده است و این امر به صورت مستقیم در منبع اصلی اسلام یعنی قرآن کریم به صراحت مورد اشاره قرار گرفته است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۵۵-۷۲

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۰۵

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

حقوق بشر، یونسکو، نسبیت-گرایی، تنوع فرهنگی، حقوق بشر اسلامی.

نویسنده مسئول:

منوچهر احدی‌فر

آدرس پستی:

ایران، زنجان، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زنجان، گروه حقوق بین‌الملل عمومی.

کد ارکید:

0009-0005-5465-3503

پست الکترونیک:

manochehrahadifar@gmail.com

۱. مقدمه

نظام نوین حقوق بشر بین‌المللی با هدف شناسایی و تضمین مصادیق حقوق ابناء بشر پس از جنگ جهانی دوم و در چهارچوب نظام منشور ملل متحد شکل گرفت. در ابتدای شکل‌گیری نظام حقوق بشر بین‌المللی، جهانشمولی هنجارهای حقوق بشر به عنوان یک اصل اساسی مورد اشاره و تأکید قرار داشت. به همین دلیل اولین سند راجع به حقوق بشر بین‌المللی، اعلامیه جهانی حقوق بشر بود. اما با گذشت زمان و حاکم شدن فضای صنعتی به زندگی افراد انسانی، روابط افراد پیچیده‌تر شد و به همان نسبت قواعد و اصول عام قابلیت تنظیم روابط مزبور را نداشت. در نتیجه، گرایش به سمت شکل‌گیری قواعد و اصول خاص ایجاد شد. در عرصه حقوق بشر نیز، باتوجه به وجود تفاوت‌های بنیادین در میان جوامع مختلف، جهانشمولی هنجارهای حقوق بشر نیز با چالش اساسی مواجه گردید. به همین جهت، تمایل به سمت نسبیت‌گرایی در میان بازیگران حقوق بشر بین‌المللی شکل گرفت. در میان مصادیق مختلف حقوق بشر بین‌المللی، تقابل میان گرایش جهانشمولی و نسبیت‌گرایی در فضای حقوق فرهنگی بسیار پررنگ‌تر نمود پیدا کرد. در نتیجه، گرایش به سمت نسبیت‌گرایی در سال‌های اخیر در فضای حقوق فرهنگی بشر، پررنگ‌تر شد. از طرف دیگر، در آموزه‌های اسلامی، احترام به تنوع فرهنگی و زیستی بشر در چهارچوب آیات قرآن کریم مورد شناسایی و اشاره قرار گرفته بود (محسنی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۱)؛ در نتیجه برای کشورهای اسلامی این رویکرد جدید نظام حقوق بشر بین‌المللی، یک رویکرد و نگاه جدید محسوب نمی‌گردد. مع‌الوصف، پرسشی که پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن می‌باشد این است

که، در فضای تقابل میان جهانشمولی و نسبیت‌گرایی نظام حقوق بشر بین‌المللی، یونسکو به عنوان اصلی‌ترین بازیگر حقوق فرهنگی بشر چه موضعی را اتخاذ نموده است و رویکرد آموزه‌های اسلامی به این نسبیت‌گرایی چگونه است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت این است که اغلب اسناد و رویه‌های یونسکو در جهت تنوع فرهنگی و نسبیت‌گرایی حرکت می‌کند؛ اما در مواردی که موضوعات و هنجارهای آن به‌نحوی مرتبط با حقوق بنیادین بشری یا همان قواعد آمره قرار می‌گیرد، رویکرد جهانشمولی غلبه پیدا می‌کند و این رویکرد یونسکو دقیقاً منطبق با رویکرد آموزه‌های اسلامی می‌باشد. در ارتباط با مرور ادبیات و سوابق پژوهش حاضر می‌توانیم به مقاله حیدری (۱۳۹۵) تحت عنوان «نسبت حقوق بشر و تنوع فرهنگی» اشاره کنیم. از نظر نویسنده حقوق بشر متضمن تنوع فرهنگی است و تنوع فرهنگی ابزار استحکام بخش حقوق بشر است. همچنین مقاله طالبکی و موسوی (۱۳۹۷) تحت عنوان «حقوق بشر و تنوع فرهنگی، با نگاهی به رویکرد اسلامی» قابل توجه است. از منظر نویسندگان، در رویکرد اسلامی مطلوب، پذیرش حقیقت تنوع فرهنگی نه به معنای پذیرش حقانیت نسبیت یا پلورالیسم اخلاقی و معرفتی و نه حقانیت نسبیت در مقام اجرا است؛ بلکه تنها به منزله لزوم مدارا در عین اعتقاد به امکان داوری ارزشی افعال انسان (جهانشمولی حقوق بشر اسلامی) است. همان‌طور که مشاهده می‌گردد، اغلب پژوهش‌های موجود تمرکز بر نسبیت‌گرایی حقوق بشر به صورت عام دارند، حال آن‌که پژوهش حاضر

تعریف انسان به‌عنوان حیوانی ناطق باز می‌گردد. بدین معنا که آنچه را انسان به ماهو انسان می‌نمایاند، بر خورداری از عقل، آزادی و اختیاری است که موجب توانایی وی بر اثرگذاری و اثرپذیری گردد. در تعریفی دیگر از انسان، علاوه بر ویژگی ذاتی نطق وی، به ویژگی‌هایی دیگر انسان که عرضی اوست نیز توجه شده است. از جمله این ویژگی‌ها بر خورداری از تعلقات نژادی، زبانی، سیاسی، مذهبی و ... است (محسنی و همکاران، ۱۳۹۷، ۱۵).

بر این اساس به نظر می‌رسد باید قائل به تفاوت در جهان‌شمولی قواعد آمره یا غیر آن از حقوق بین‌المللی بشر شد. هدف از وضع قواعد آمره بین‌المللی، هماهنگی بیشتر میان اصول بنیادین نظم حقوقی جامعه بین‌المللی با روابط تابعان حقوق تحت تأثیر از مصالح و اخلاق جامعه بین‌المللی است. بر همین اساس برای شناخت قواعد آمره در نظام حقوق بین‌المللی باید توجه کرد که این قواعد واجد دو رکن هستند؛ یکی، این قواعد مربوط به حقوق بین‌الملل عام هستند و دیگری اینکه به عنوان قاعده‌ای که هیچ‌کدام از دولت‌های عضو جامعه بین‌الملل آن را قابل تخلف نمی‌شناسند، قابل تشخیص هستند. به عبارتی در اینکه این قواعد تخلف‌ناپذیرند بین این دولت‌ها هیچ اختلاف نظری موجود نیست. در منابع حقوق بشر بین‌المللی، آن دسته از قواعدی که تحت هر شرایطی باید رعایت شوند، از جمله قواعد آمره هستند که تحت عنوان «حقوق بنیادین بشری» قابل شناسایی هستند. این حقوق، حقوقی هستند که تحت هیچ شرایطی امکان نقض آن‌ها وجود ندارد. براساس مواد مختلفی از میثاق حقوق مدنی و سیاسی، برخی از این حقوق غیر قابل تخطی تحت

تمرکز بر نقش و اسناد یونسکو دارد که همین امر نیز نوآوری پژوهش حاضر محسوب می‌گردد.

۲. مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر یک مطالعه توصیفی تحلیل است. از روش کتابخانه‌ای به منظور جمع‌آوری داده‌ها و مطالب در این تحقیق استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در مراحل مختلف نگارش این مقاله، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌ها حاکی از آن است که نسبیت‌گرایی در فضای حقوق بشر در حال حاضر دارای طرفداران بیشتری در میان نظریه‌پردازان می‌باشد. همچنین رویه بین‌المللی و روند تصویب اسناد بین‌المللی نشان از گرایش یونسکو به سمت نسبیت‌گرایی دارد. از طرفی نیز تنوع فرهنگی و احترام به آداب و سنن مختلف در آموزه‌های اسلامی نیز مورد شناسایی قرار گرفته است.

۵. بحث

در این قسمت ابتدا به تبیین مفهوم جهان‌شمولی و نسبیت‌گرایی حقوق بشر پرداخته خواهد شد.

۵-۱. جهان‌شمولی حقوق بشر

در تعریف جهان‌شمولی حقوق بشر ابتدا باید به تعریف حقوق بشر از منظر ماهیت پرداخت. حقوق بشر در نظام حقوق بین‌الملل، که از ترکیب دو واژه «حقوق» - جمع واژه حق - و «بشر»، به جامعه لفظ درآمیخته، ناظر به آن دسته از حقوقی است که به

دانمارکی حقوق بشر قرار گرفته است (Sajó, 2013: 245).

در نظر نسبی‌گرایان، از آنجایی که جوامع گوناگون در ارزش‌هایی که هنجارهای حقوقی آنان را شکل می‌دهند من جمله باورها و عادات مخصوص به خود، وجود حقوق بشر جهان‌شمول امری ممتنع به نظر می‌رسد. چرا که تغییر آموزه‌های فرهنگی جوامع به راحتی امکان‌پذیر نیست و چون نفع عمومی -نفع متعلق به جامعه- همواره باید نسبت به نفع فردی در اولویت قرار گیرد، لازمه دست‌یابی به جهان‌شمولی حقوق بشر، احترام به تنوع فرهنگی و پی گرفتن رویکردهای نسبی‌گرایانه به مقوله حقوق است (ذوالقدر و همکاران، ۱۳۹۳، ۶۶).

به‌طور کلی آنچه در تقابل میان رویکردهای فلسفی جهان‌شمولانه و نسبیت‌گرایانه در رابطه با حقوق بشر طرح می‌شود به چهار رویکرد می‌رسد که با در نظر گرفتن نقاط قوت و ضعف هر یک از این رویکردها شاید بتوان به نقطه اشتراکی رسید (کهریزی، ۱۳۹۷، ۷۷). در یک رویکرد که واجد نگرش از بالا به پایین است، هنجارهای حقوق بین‌الملل در حوزه حقوق بشر، پذیرفته‌شده محسوب می‌شوند و امکان ترجیح هنجارهای داخلی بر هنجارهای بین‌المللی در موضع تراحم، تنها در صورتی که دولت‌ها و فرهنگ‌ها بتوانند از رویه‌های داخلی خود که در تقابل با هنجارهای بین‌المللی دفاع نموده و این دفاع نیز قابل پذیرش باشد، وجود خواهد داشت. در رویکرد دوم، با نگاهی از پایین به بالا اصل بر این است که فرهنگ‌های محلی اولویت داشته و چنانچه در موضع تراحم، قائل به دیدگاه جهان‌شمولانه باشیم باید به دفاع از این دیدگاه‌ها در تقابل با هنجارهای داخلی، به اثبات عدم

هر شرایطی عبارت‌اند از: ۱. ممنوعیت کلیه اشکال تبعیض نژادی اعم از تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، اصل و منشأ مذهبی یا اجتماعی؛ ۲. حق حیات، که از حقوق ذاتی انسان است؛ ۳. ممنوعیت آزار و شکنجه یا رفتارهای ظالمانه از جمله تحت آزمایش‌های پزشکی یا علمی قرار دادن؛ ۴. ممنوعیت بردگی و خرید و فروش برده؛ ۵. ممنوعیت حبس افراد به علت عدم توانایی اجرای تعهد قراردادی؛ ۶. عطف به ماسبق نشدن قوانین جزایی؛ ۷. تعهد به شناسایی شخصیت افراد انسانی و ...». هم‌چنین «نقض‌های فاحش تعهدات ناشی از قواعد آمره حقوق بین‌الملل عام» که در بند ۲ ماده ۴۰ طرح کمیسیون حقوق بین‌الملل راجع به مسئولیت بین‌المللی دولت‌ها که در سال ۲۰۰۱ به تصویب کمیسیون رسید، ناظر به قواعد آمره حقوق بشری همچون ممنوعیت تجاوز و نسل‌زدایی است (Hastrup, 2021, 93).

۵-۲. نسبیت‌گرایی حقوق بشر

توجه به مفهوم نسبی‌گرایی در حقوق که در آن حقوق امری نسبی و متأثر از زمان، مکان و سایر متغیرهایی همچون ادیان و مذاهب، فرهنگ‌ها و تفاوت‌های قومیتی است، موجب شده تا نظریه نسبی‌گرایی فرهنگی حقوق بشر پا به عرصه وجود بگذارد (فلاح‌زاده و همکاران، ۱۳۹۵، ۶۵). آنچه واقعیات تاریخی از فرهنگ‌ها، مذاهب، اخلاق و سایر امور ناشی از تمدن‌ها و آنچه که از مفاهیم موجود در رویه و اسناد بین‌المللی قابل برداشت است، این است که تصور و تجربه هر منطقه در خصوص مصادیق نقض حقوق بشر با منطقه‌ای دیگر از تفاوت‌هایی برخوردار است. این موضوع مورد اذعان مؤسسه

آنچه در فرمالیسم حقوقی مورد بررسی قرار می‌گیرد، تحلیل روابط حقوقی زیر سایه اثرات هر کدام از عوامل مفهوم‌ها، هنجارهای ماهوی و نیز ساختارهای لازم برای اعمال این هنجارهاست (Loizidou, 2007, 60-61). آنچه در این رویکرد به مثابه ستون فقرات انگاشته می‌شود، توجیه‌پذیری است. چه اینکه در رویکرد فرمالیسم حقوقی، هنجارهای حقوقی برای پاسخ‌دهی در راستای تأمین نیازهای تابعان حقوق طراحی شده‌اند و بر همین اساس پذیرش و پایبندی به این هنجارها توجیه می‌گردند (Sharpe, 2020, 94).

بیان شد که در رویکرد فرمالیستی به حقوق، عوامل متعددی باید در تحلیل روابط تابعان حقوق در نظر گرفته شود. اهمیت این موضوع و رویکرد، در فضای حقوق شکلی یعنی جایی که مرجع حل و فصل اختلاف نیاز به قالب‌بندی اختلافات تابعان حقوق دارد، مشخص می‌گردد. چراکه این مرجع تنها با استفاده از این طریق و با نگاهی جامع و مانع به هنجارها، مفاهیم و ساختارهای حقوقی به درک صحیحی از ساختار، ماهیت و مبنای رابطه منشأ اختلاف تابعان و قانون حاکم بر آن دست می‌یابد که حسب مورد بتواند به أخذ تصمیم در حل یا فصل اختلاف مزبور اقدام نماید (Holyoak & Morrison, 2005, 690).

از این منظر، مفاهیم، اصول، قواعد، هنجارهای ماهوی و شکلی که اجزای تشکیل‌دهنده ابعاد درونی و بیرونی روابط و هنجارهای حقوقی را مانند اجزایی که در کنار یکدیگر به شکلی دقیق که یک کل منسجم را می‌سازند، قرار گرفته‌اند. لکن سؤال اصلی اینجاست که این نظم بر چه مبنایی شکل گرفته

کفایت هنجارهای داخلی در رعایت حقوق بنیادین بشر پرداخت. رویکرد سوم، که نسبیت‌گرایی حقوقی واقعی را منعکس می‌نماید، با استفاده از نگرشی تعادل‌گرایانه بدین می‌پردازد که چگونه می‌توان از حقوق بشر با در نظر گرفتن تمامی جهات و نهادهای مؤثر در سطح ملی و اصول و نهادهای بین‌المللی حمایت کرد. در نهایت نیز رویکرد آخر بدین می‌پردازد که اشخاصی که به وضع اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر بین‌الملل می‌پردازند، با استفاده از اعمال حق شرط و حق تفسیر بر مواضع ابهام‌آمیز ناشی از زبان مکتوب این اسناد، امکان اعمال اصول و هنجارهای داخلی خود را فراهم می‌آورند.

۵-۳. فرمالیسم حقوقی و نسبیت‌گرایی

هدف اصلی از ایجاد حقوق، تنظیم روابط میان تابعان حقوق بود. تابعان حقوق برای دستیابی به نیازهای خود و رفع آن، به ارتباط با یکدیگر نیز نیاز پیدا کردند. لکن هر کدام از این تابعان از قدرت متفاوت در تأثیرپذیری و تأثیرگذاری بر این روابط برخوردار بودند. بدین معنا که کفه ترازوی قدرت آنان در ارتباط با یکدیگر میزان نبود، حقوق برای تنظیم این میزان وضع شد (Ehrenberg, 2016, 102).

اینکه فرمالیسم حقوقی در این فضا چگونه تعریف می‌شود، از این ناشی می‌گردد که آیا نیازهایی که علت شکل‌گیری روابط میان تابعان حقوق هستند، از نظامی منطقی برخوردارند که در گام بعدی ادعای حکومت نظم بر هنجارهای موجود بر این روابط در عالم حقوق پذیرفتنی باشد یا خیر (Aspremont, 2017, 163-165)؟

است؛ بر اساس احتمال و در نتیجه هم‌جواری این اجزا یا وجود یک سری هنجارهای قاعده-مند (Siltala, 2011, 197-199).

گفته شد که توجیه‌پذیری از اهمیت به سزایی در هنجارهای حاکم بر تنظیم روابط تابعان حقوق برخوردار است. بر همین اساس، از آنجایی که یکی از محورهای اصلی در تحلیل فرمالیسم حقوقی، تفکیک میان قالب و ماهیت روابط حقوقی است، باید در رویکرد فرمالیستی ماهیت، ساختار، مبنای هر رابطه حقوقی به تفکیک مورد بررسی قرار بگیرد (May & Brown, 2010, 7-9).

پدید آمدن دو اثر از وضع هنجارهای حقوقی به نام-های امنیت و قابلیت پیش‌بینی، هدف اصلی تنظیم روابط میان تابعان حقوق در عالم حقوق است. چنانچه نظامی منطقی در طبقه‌بندی عناوین روابط حقوقی وجود نداشته باشد، امکان دستیابی به اهداف فوق نیز وجود نخواهد داشت. یکی از عوامل مؤثر بر این مسئله، تناسب هنجار با رابطه است که در پرتوی اصل حاکمیت قانون ایجاد می-گردد (Leal, 2014, 18).

به نظر نگارنده، ضرورت توجه به متغیرهای مختلف که مبنای ماهیت و ساختار قواعد عام نظام حقوق بین-الملل از جمله فضای حقوق بشر، چه در حوزه حکومت قواعد آمره و چه در غیر آن، در رویکرد فرمالیستی غیر قابل انکار است. به‌خصوص، در فضای حقوق بشر، اخلاق و فرهنگ منبعث از آن، به‌عنوان یکی از مبانی حقوقی مهم فضای حقوق بشر در رویکرد فرمالیستی باید به‌عنوان متغیری تأثیرگذار شناخته شود. چرا که مرز بین قاعده حقوقی و قاعده اخلاقی را ویژگی الزام‌آوری قاعده حقوقی نمایان می-

سازد. نگاه به عالم حقوق از زاویه پست‌مدرنیسم و پیچیده شدن روابط تابعان حقوق باعث شده است که در عالم حقوق، شکست و انکسار ایجاد شود؛ بدین معنا که طبقه‌بندی‌های سنتی، نمی‌تواند روابط پیچیده فعلی تابعان حقوق را پوشش دهد. نتیجه نهایی آن است که با توجه به حکومت کنونی منطق فازی بر عالم حقوق و تابعان آن، ایجاب می‌نماید که قائل به نسبیت‌گرایی و پرهیز از اعمال قواعد مطلق با وجود این کثرت و تفاوت در متغیرهای مؤثر بر فضای عالم حقوق بود.

۴-۵. رویکردهای مذهبی و غیر مذهبی به نسبیت‌گرایی فرهنگی

بحث پیرامون چیستی فرهنگ و چرایی به رسمیت شناختن تکثرگرایی فرهنگی، در این مقاله ضروری است. از منظر جامعه‌شناسان یکی از عواملی که گروه‌های مختلف مردم، هویت خود را با توسل بدان مورد شناسایی و تعریف قرار می‌دهند، فرهنگ است (حیدری، ۱۳۹۵، ۵۵). به‌نحوی که با عضویت فرد در یک گروه، مؤثر از نهاد اجتماعی، فرد صاحب شخصیت می‌گردد که در رأس نهادهای اجتماعی، نظام فرهنگی به‌عنوان نقطه اتکا و پشتوانه اجتماع شناخته می‌شود. از یک منظر، فرهنگ را می‌توان به ملات ساختمانی همچون سیمان تشبیه نمود که موجب پیوستگی اجزای ترکیبی یک جامعه و پیونددهنده نسل‌های مختلف در طول زمان است و بر همین اساس ویژگی اصلی آن باید پایداری همراه با پویایی شناخته شود (فضائی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۱). یونسکو فرهنگ را به‌عنوان «مجموعه ویژگی‌های متمایز معنوی، مادی، فکری و عاطفی جامعه یا یک گروه اجتماعی تعریف می‌کند که نه تنها هنر و

تفسیر این آیه و دو آیه بعدی چنین معتقدند که وجود سلسله‌ای از مشترکات در عین تفارق شعوب مختلف مردم موجب می‌گردد که اصول جهانی در هدایت کل ابناء بشر مؤثر واقع شود و بدین طریق قائل به نوعی جهان‌شمولی حقوق بشر هستند و خلقت بشر به رنگ‌ها، با زبان‌ها و در قومیت‌های مختلف تنها برای شناسایی است و آنچه ذات تمام ابنای بشر را شامل می‌شود کرامتی است که خداوند متعال در خلقتش به انسان عطا نموده است (جوادی، ۱۳۹۵/۰۸/۲۲). هم‌چنین در سخنان رهبر معظم انقلاب آیت‌الله خامنه‌ای در مورد این آیه و خطاب به کارگزاران نظام در دیدار تاریخ ۱۳۷۱/۰۶/۲۴، نسخه اسلام برای دسترسی به عدالت برای تمام ابنای بشر از هر جنس، قوم و رنگی - از هر فرهنگی - قابل تحقق است (خامنه‌ای، ۱۳۷۱/۰۶/۲۴).

هم‌چنین در آیه ۴۸ از سوره مائده، خداوند عزیز چنین می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ» ما این کتاب [قرآن] را به درستی و راستی به سوی تو نازل کردیم؛ درحالی‌که تصدیق‌کننده کتاب‌های پیش از خود و نگهبان و گواه بر [حقانیت همه] آنان است؛ پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن، و [به هنگام داوری] سرپیچی از حقی که به سوی تو آمده از هواهای نفسانی آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم. و اگر خدا می-

ادبیات، بلکه سبک‌های زندگی، شیوه‌های زندگی مشترک، نظام‌های ارزشی، سنت‌ها و باورها را در بر می‌گیرد» (UNESCO, 2001). از منظر دیگر، فرهنگ معلول تجربیات خاص تاریخی مردم یک جامعه است» که می‌تواند موجبات پیدایش یا دوام الگوهای رفتاری همچون احترام به حاکمیت قانون یا تعرض به ساحت آن به‌عنوان یک خصیصه اجتماعی را ایجاد کند. به‌عنوان مثال وضع جغرافیایی، نظام طبقاتی و قبیله‌ای، شکل حکومت و تعرض و تجاوز نیروهای بیگانه، از جمله عوامل اصلی است که ارزش‌های خاص الگوهای رفتاری مردم ایران را در رابطه با اصل حاکمیت قانون رقم زده است. لکن بررسی تأثیر همه این عوامل در کنار یکدیگر و بر یکدیگر امری پیچیده است (صانعی، ۱۳۸۹، ۵۸۰). یکی از موضوعاتی که در شناخت عرصه جهانی فرهنگ مورد بررسی قرار می‌گیرد، موضوع مطلوبیت یا عدم مطلوبیت کثرت‌گرایی و نسبیت‌گرایی فرهنگی است. این مسئله می‌تواند هم از منظر رویکرد مذهبی و به‌طور خاص اسلامی و هم از منظر رویکردهای غیر مذهبی مد نظر قرار گیرد.

۵-۴-۱. رویکرد اسلامی

از دیدگاه اسلام با توجه به آیه ۱۳ سوره حجرات که خداوند کریم این چنین بیان فرموده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ»: ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمايند، همانا خدا کاملاً دانا و آگاه است». بعضی از مفسرین در

خواست همه شما را امت واحدی قرار می‌داد؛ ولی می‌خواهد شما را در آنچه به شما داده امتحان کند؛ پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه شما به سوی خداست؛ پس شما را به آنچه همواره درباره آن اختلاف می‌کردید، آگاه می‌کند». به نظر می‌رسد باتوجه به تأکید آیه شریفه بر این که اگر خداوند می‌خواست همه شما را امت واحد قرار می‌داد، در واقع چندگانگی و ایجاد تنوع مورد تأکید قرار گرفته است، در نتیجه، در این آیه نیز نسبیت‌گرایی فرهنگی به رسمیت شناخته شده است.

همچنین لازم است در این‌جا نیز اشاره‌ای به منشور مدینه شود. منشور مدینه به عنوان نخستین قانون اساسی مکتوب در تاریخ بشری، توسط پیامبر اسلام (ص) بعد از هجرت به مدینه تنظیم شد. این سند، روابط میان مسلمانان، یهودیان و بت‌پرستان را در مدینه تعیین می‌کرد و هدف اصلی آن، ایجاد وحدت و صلح بین گروه‌های مختلف بود. منشور مدینه با تعیین حقوق و وظایف، زمینه‌ساز یک جامعه اسلامی و اولین حکومت اسلامی بود. مهمترین مفاد این منشور، امنیت جامعه، آزادی‌های مذهبی، نقش مدینه به عنوان حرم، امنیت زنان، روابط بین قبیله‌ای، نظام مالیات برای حمایت از جامعه در هنگام درگیری، شرایط اتحاد با خارج، حمایت از اشخاص، نظام قضایی برای رفع اختلافات و موضوع پرداخت خون‌بها بود (بختیاری، ۱۳۷۶، ۱۱-۱۲). در واقع به نظر می‌رسد که این سند، نشان‌دهنده تلاش پیامبر اسلام (ص) برای ایجاد یک جامعه با همزیستی مسالمت‌آمیز بین گروه‌های مختلف مذهبی و قبیله‌ای بود.

۵-۴-۲. رویکرد غیر مذهبی

در تفکرهای غیرمذهبی نیز با توجه به حکومت اصلی همچون اصل آزادی و مصادیق مختلف اصل آزادی که در شئون مختلف حقوق بشر سایه می‌افکند، باید نسبیت‌گرایی فرهنگی را به رسمیت شناخت. به علاوه مفاهیمی که در معاهداتی چون رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی آمده است، حاکی از اصل احترام به تنوع فرهنگی است. هر فرهنگی شامل ارزش‌های غنی است که در عین تفارق بستر یکپارچگی توأمان جامعه بشری را تحت حاکمیت قانون و اصل آزادی فراهم می‌نماید (فرخی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۸۱).

از آنجایی که در فضای پست‌مدرنیسم، وجود گوناگونی‌ها و کثرت‌گرایی‌ها در پرتو اصل آزادی بشر، به رسمیت شناخته می‌شود، این چندگانگی فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، نژادها و ... از منظر بعضی از جامعه‌شناسان موجبات نوسازی بیشتر، تفکیک و تمایز بیشتر، عقلانی شدن بیشتر، بازتابندگی و انعطاف بیشتر را در جوامع فراهم می‌آورد (حیدری، ۱۳۹۵، ۵۳). به نظر می‌رسد، از آنجایی که حقوق بشر با ارزش‌های مختلفی که در بافت و ساختار فرهنگی جوامع نقش بسته است، گره خورده و هر فرهنگ، بدان جهت که فرهنگ است، دارای ارزشی منحصر به فرد است، باید در تفسیر قواعد حقوق بشری بدان تمسک جست. در این میان، توجه به ارزش‌های فرهنگی هر منطقه موجب اهتمام بیشتر به حقوق بنیادین بشری است (حیدری، ۱۳۹۵، ۵۵). چه اینکه احترام به تنوع فرهنگی هر کشور جلوه‌ای از احترام به اصل حاکمیت هر کشور است که در بند ۱ از ماده ۱ منشور ملل متحد بدان تصریح شده است.

۵-۵. اسناد و رویه‌های یونسکو و اصل احترام

به تنوع فرهنگی

در سی و سومین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵، کنوانسیون به تصویب رسید که در مقدمه آن چنین اعلام شده بود: «۱. با تأکید بر اینکه تنوع فرهنگی ویژگی متمایز جامعه بشری است؛ ۲. با آگاهی از اینکه تنوع فرهنگی میراث مشترک انسان‌هاست و برای حفظ منافع عمومی باید به آن احترام گذاشت؛ ۳. با آگاهی از اینکه تنوع فرهنگی با ایجاد دنیایی غنی و متنوع دامنه گزینش‌ها را گسترش می‌دهد و ظرفیت‌های انسانی و ارزش‌ها را تقویت می‌کند و به همین دلیل سرچشمه توسعه پایدار اجتماعات مردمان و ملت‌هاست؛ ۴. با یادآوری اینکه تنوع فرهنگی که در بستر دموکراسی، تحمل آراء، عدالت اجتماعی و احترام متقابل بین مردمان و فرهنگ‌ها شکوفا می‌شود، برای صلح و امنیت در سطح محلی، ملی و بین‌المللی ضروری است؛ ۵. با پذیرش اهمیت تنوع فرهنگی در تحقق کامل مواد اعلامیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مندرج در آن و دیگر اسناد شناخته شده جهانی؛ ۶. با تأکید بر ضرورت گنجاندن فرهنگ در سیاست‌های ملی و بین‌المللی توسعه و همکاری‌های بین‌المللی توسعه به‌عنوان یک عنصر راهبردی و بر اساس اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد (۲۰۰۰) و تأکید ویژه آن بر فقرزدایی؛ ۷. با در نظر گرفتن گونه‌های متنوع فرهنگ طی زمان‌ها و مکان‌ها و اینکه تنوع، ریشه در اصالت و فراوانی هویت‌ها و بیان‌های فرهنگی ملت‌ها و جوامع تشکیل‌دهنده جامعه بشری دارد؛ ۸. با تصدیق اهمیت دانش سنتی، به‌ویژه نظام دانشی بومیان - به‌عنوان منبع سرمایه معنوی و مادی - و سهم مثبت آن در توسعه پایدار و همچنین نیاز به حفظ و ترویج مناسب؛ ۹. با پذیرش نیاز به اتخاذ اقداماتی برای حفظ تنوع بیان‌های

فرهنگی و محتوای آن‌ها به‌خصوص در شرایطی که این بیان‌ها در معرض نابودی و یا آسیب جدی قرار می‌گیرد؛ ۱۰. با تأکید بر اهمیت فرهنگ در انسجام اجتماعی به‌طور کلی، و توانایی ویژه آن در بهبود جایگاه و نقش زنان در جامعه؛ ۱۱. با آگاهی از اینکه تنوع فرهنگی با جریان افکار تقویت می‌شود و با تعامل و تبادل دائمی بین فرهنگ‌ها گسترش می‌یابد؛ ۱۲. با تأکید دوباره بر اینکه آزادی اندیشه، بیان و اطلاعات و همچنین تنوع رسانه‌ها باعث شکوفایی بیان‌های فرهنگی در جوامع می‌شود؛ ۱۳. با تصدیق اهمیت تنوع بیان‌های فرهنگی، از جمله بیان‌های فرهنگی سنتی که به افراد و ملت‌ها اجازه می‌دهد تا به تبادل افکار و ارزش‌های خود با دیگران بپردازند؛ ۱۴. با یادآوری اینکه تنوع زبانی عنصر اساسی تنوع فرهنگی است و با تأکید دوباره نقش اساسی آموزش در حفظ و ترویج بیان‌های فرهنگی؛ ۱۵. با توجه به اهمیت حیاتی فرهنگ‌ها، از جمله فرهنگ اقلیت‌ها و بومیان که در آزادی برای خلق، اشاعه و توزیع بیان‌های فرهنگی سنتی و دسترسی به آنها تجلی می‌یابد به‌گونه‌ای که آنان بتوانند در تحقق توسعه خود از آن بهره‌برداری کنند؛ ۱۶. با تأکید بر نقش تعامل و خلاقیت فرهنگی در تقویت و احیای تنوع بیان‌های فرهنگی و تحکیم نقش کارگزاران توسعه فرهنگی در جهت منافع کل جامعه؛ ۱۷. با تصدیق اهمیت حقوق مالکیت فکری در حمایت از کسانی که در خلاقیت فرهنگی نقش دارند؛ ۱۸. با اعتقاد به اینکه فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی چون در بر دارنده هویت‌ها، ارزش‌ها و معانی‌اند ماهیت اقتصادی و فرهنگی نیز دارند، و نباید فقط محصولاتی تجاری تلقی شوند؛ ۱۹. با اشاره به اینکه روندهای جهانی‌سازی که زاینده توسعه سریع فناوری‌های

حقوق بین الملل بود، فضای قواعد حقوق بشر است. در واقع، با در نظر گرفتن اجزائی که در نگاه اول غیرقابل هماهنگی با یکدیگر و همچنین گسسته از یکدیگر به نظر رسیده، لکن در عمل در کنار یکدیگر موجب ایجاد یک سیستم کامل منسجم حقوقی می‌گردند. این اجزاء عبارتند از: «جهان‌شمولی»، «تأثیر متقابل شقوق حقوق بشر»، در عین حال برخورداری از «تنوع فرهنگی به عنوان جزیی از کلیت حقوق بشر»، که این اجزا در مسیر دستیابی به صلح و توسعه قرار دارند.

۵-۵-۱. اسناد ملل متحد به عنوان سند بالادستی یونسکو

اولین سند بین‌المللی که در آن اصل احترام به تنوع فرهنگی در پرتو اصول تساوی حقوق و خودمختاری ملل و همچنین اصل تساوی حاکمیت‌ها پرداخته، منشور ملل متحد است. در بندهای ۱، ۲ و ۷ از ماده ۱ این موضوع تبلور یافته است. همچنین مواد ۱۳، ۵۵ و ۵۶ که ناظر به همکاری‌های بین‌المللی در بستر اصل تساوی حاکمیت‌ها و در پرتوی اصل احترام به تنوع فرهنگی است، از جمله سایر مواد مرتبط با این موضوع است. اسناد بعدی به ترتیب میثاقین و اعلامیه‌ای موصوف به «اعلامیه اصول حقوق بین الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها» است. در ماده یک هر دوی میثاقین، احترام به خودمختاری ملل مختلف و آزادی آنان در توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به رسمیت شناخته شده است. در سال ۱۹۷۰، مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه‌ای با عنوان «اعلامیه اصول حقوق بین الملل راجع به روابط دوستانه و همکاری بین دولت‌ها»، اصل احترام به تنوع فرهنگی کشورها

اطلاعات و ارتباطات است، شرایط بی‌سابقه‌ای را برای تقویت تعامل بین فرهنگی فراهم ساخته و در عین حال در زمینه تنوع فرهنگی چالشی پدید آورده است، به خصوص با در نظر گرفتن خطرات ناشی از عدم تعادل میان کشورهای غنی و فقیر؛ ۲۰. با آگاهی از رسالت ویژه یونسکو برای تضمین احترام به تنوع فرهنگ‌ها و توصیه به انعقاد موافقت‌نامه‌های بین‌المللی لازم برای ترویج جریان افکار به وسیله کلام و تصویر؛ ۲۱. با رجوع به مفاد اسناد بین‌المللی مربوط به تنوع فرهنگی و رعایت حقوق فرهنگی مصوب یونسکو به‌ویژه اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی، سال ۲۰۰۱؛ ...»، کنوانسیون تحت عنوان «کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی»، به تصویب اعضای یونسکو رسید.

تنها با مشاهده ۲۱ بندی که در مقدمه این کنوانسیون ذکر شده بود، می‌توان به اینکه جامعه جهانی به ضرورت لزوم توجه به اصل احترام به تنوع فرهنگی در راستای دستیابی به صلح، امنیت و توسعه در جوامع بشری پی برده بود، رسید. این اصل بیانگر این حقیقت است که شکل‌گیری تمدن جهانی، مولود تمامی فرهنگ‌ها است که نتیجه این مولود مشترک، اشتراک در اصول حقوق بنیادین بشری است و بر همین اساس است که وصف ویژه حقوق بشر را جهان‌شمولی آن می‌دانند. البته جهان‌شمولی که ناشی از توجه اصولی به تمامی فرهنگ‌های بشری در هر منطقه و ملتی از ملل جهان است. بدین معنا که این جهان‌شمولی با نسبی‌گرایی فرهنگی به تعدیل رسیده است (Kapchan, 2014, 91). یکی از نقاطی که باید قائل به رویکرد فرمالیستی در بررسی و تبیین اوضاع و احوال تابعان حقوق در فضای

در پرتو حق غیر قابل سلب دولت‌ها در تعیین نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش نمایان شد. همچنین یکی از حقوقی که با اصل احترام به تنوع فرهنگی در ارتباط مستقیم قرار می‌گیرد، حق تعیین سرنوشت ملل است. این حق در ماده ۱ از اعلامیه حق بر توسعه که در سال ۱۹۸۶ تصویب شده، تصریح گشته است. در تاریخ ۲۱ نوامبر ۲۰۰۱ قطع‌نامه‌ای توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید که در آن به صراحت حق اعضای تمام تمدن‌ها برای حفظ و توسعه میراث فرهنگی جامعه خود را به رسمیت شناخته شده است. این قطع‌نامه با عنوان «دستور کار جهانی برای گفت‌وگوی تمدن‌ها» شناخته می‌شود. از جمله سایر قطع‌نامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد که در آن به ویژگی‌های فرهنگی هر تمدن و محترم بودن آن به شکلی در قالب اصل توجه شده باید به قطع‌نامه حقوق بشر و تنوع فرهنگی مصوب نوزدهم دسامبر ۲۰۱۱، قطع‌نامه حقوق بشر و تنوع فرهنگی مصوب سی‌ویکم اکتبر ۲۰۱۳ مصوب کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل متحد اشاره نمود. قطع‌نامه اخیر به ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و زمینه‌های تاریخی، فرهنگی و مذهبی ملل نیز توجه دارد. به همین دلیل مورد توجه جنبش عدم تعهدها نیز به شکل ویژه‌ای قرار دارد (Sajó, 2013, 245).

در سال ۱۹۹۳ اعلامیه و برنامه عمل وین پس از برگزاری کنفرانس‌هایی در بانکوک، تونس و سن-خوزه، از جمله سایر اسناد بین‌المللی بود که به لزوم رعایت تنوع فرهنگی با رعایت اصولی همچون یکسانی برخورد و اجرای عادلانه قواعد جهان‌شمول حقوق بشر میان کشورهای توسعه‌یافته، در حال

توسعه و فقیر تأکید مجدد داشت. این تأکید بدین صورت در بندهای ۴ و ۵ از بخش یک این سند ابراز شد: «۴. پیشبرد و صیانت از کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باید به‌عنوان هدف ممتاز سازمان ملل متحد در انطباق با اهداف و اصول آن؛ به‌ویژه هدف والای همکاری بین‌المللی، مورد عنایت قرار گیرد. در چهارچوب اهداف و اصول مزبور، ارتقا و حمایت از کلیه حقوق بشر نگرانی به حق جامعه بین‌المللی را تشکیل می‌دهد. لذا نهادها و سازمان‌های تخصصی مربوط به حقوق بشر باید فعالیت‌های خود را بر پایه اجرای مستمر و بی‌طرفانه اسناد حقوق بشر بین‌المللی هماهنگ‌تر سازند. ۵. حقوق بشر کلاً از سرشتی جهانی، غیر قابل تقسیم و بسته و مرتبط به یکدیگر برخوردارند. جامعه بین‌المللی باید با حقوق بشر با نگاهی جامع و به شیوه‌ای منصفانه و برابر، و با معیارهای واحد و تأکیدی یکسان برخورد کند. درحالی‌که اهمیت ویژگی‌های ملی و منطقه‌ای و پیشینه‌های گوناگون تاریخی، فرهنگی و مذهبی باید مطمح نظر قرار گیرد. دولت‌ها وظیفه دارند قطع نظر از نظام‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود، کلیه حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اگسترش داده و از آن‌ها حمایت کنند». عبارت «تحمیل تنوع فرهنگی، قومی، مذهبی و زبانی و همچنین گفت‌وگوی بین تمدن‌ها عنصری ضروری برای صلح، مفاهمه و دوستی بین افراد و مردم از ملل و فرهنگ‌های مختلف جهان است»، که در قطع‌نامه شماره ۱۵۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۲۰۱۲ به تصویب رسید، به دنبال اعلام این موضوع به جهانیان بود که چنانچه به تنوع فرهنگی میان ملل مختلف به شکل یک اصل غیرقابل خدشه رفتار نگردد، نتیجه‌ای

جز خدشه به امنیت و صلح پایدار به همراه نخواهد داشت (Hastrup, 2021, 102).

هم‌چنین در اسناد مختلفی به لزوم توجه به موضوع آزادی در اعمال اصول و باورهای فرهنگی و مذهبی که در نتیجه اعمال اصل احترام به تنوع فرهنگی می‌آید، پرداخته شده است. از این میان برای مثال می‌توان به احصای حکم تعدام بر اساس ماده ۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، در چهارچوب ضوابطی که مشخص شده است؛ جرم‌زدایی از عمل همجنس‌گرایی که اصرار به آن دقیقاً مصداق نقض اصل احترام به تنوع فرهنگی ملل خواهد بود؛ جلوگیری از یکسانی فرهنگی و تحمیل یک فرهنگ خاص در سطح جهان که به موجب ماده ۱۰ از بیانیه اجلاس شانزدهم سران جنبش عدم تعهد بدان اشاره شده؛ تأکید به بردباری در مقابل تنوع فرهنگی در اعلامیه هزاره سازمان ملل متحد مصوب هشتم سپتامبر ۲۰۰۰؛ احترام به حقوق مهاجرین در باب تذکر به عدم تبعیض در اعلامیه کنفرانس جهانی دوربان مصوب ۲۰۰۱ و هم‌چنین اعلامیه سازمان ملل متحد درباره حقوق مردمان بومی (بومیان) مصوب ۱۳ سپتامبر ۲۰۰۷ باید اشاره نمود (فرخی و همکاران، ۱۳۹۶، ۲۱۱). در نتیجه به نظر می‌رسد باتوجه به تعدد اسناد و تکرار موضوع آزادی در اعمال اصول و باورهای فرهنگی و مذهبی در نتیجه اعمال اصل احترام به تنوع فرهنگی، این اصل تبدیل به یک قاعده عرفی شده است.

۵-۲. اسناد مصوب یونسکو

«هر فرهنگی دارای کرامت و ارزشی است که باید مورد احترام واقع شده و حفظ گردد»؛ این عبارت که اصل احترام به تنوع فرهنگی را در ماده ۱ اعلامیه

اصول همکاری بین‌المللی فرهنگی یونسکو مصوب ۱۹۶۶ رو به جهانیان فریاد می‌زند، دقیقاً زمانی پا به عرصه فضای حقوق بین‌الملل و حقوق بشر گذاشته است که در جامعه آمریکا ساه‌پوستان در راستای مبارزه با تبعیضات ناشی از رنگ پوست خود در آمریکا به شدت در تلاش بودند.

روابط بین ملت‌ها، همکاری آنان در این اعلامیه، چنانچه با نادیده گرفتن شیوه زندگی و آداب و رسوم ملل مختلف همراه باشد، به‌عنوان مانعی برای دوستانه شدن این روابط، صلح‌آمیز بودن این همکاری‌ها و پیشرفت بشریت معرفی شده است. بر همین اساس که در بند ۳ از ماده ۱ این اعلامیه، آنچه به عنوان میراث مشترک بشریت خوانده شده، چیزی جز تنوع فرهنگی نیست (فرخی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۹۰).

در سال ۱۹۷۶، توصیه‌نامه‌ای توسط یونسکو در خصوص مشارکت در زندگی فرهنگی به جهانیان ارائه شد که در آن یکی از مؤلفه‌های فرهنگ، سبک زندگی عامه مردم شناخته می‌شد. در نتیجه شناسایی این مؤلفه از فرهنگ بود که دسترسی به دانش با استفاده از ابزارهای گوناگونی همچون کتاب-ها، رادیو، تلویزیون، نشریات و ... سهل‌تر شد. در ادامه همین روند بود که در اعلامیه کنفرانس ۱۹۸۲ مکزیکوسیتی بر لزوم مردمی کردن فرهنگ با اتخاذ سیاست‌های فرهنگی تأکید صورت گرفت (فضائی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۸).

ماده ۱ اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو مصوب دوم نوامبر ۲۰۰۱، چنین بیان داشته است: «اهداف کنوانسیون عبارت است از: الف- حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی. ب- ایجاد شرایطی برای شکوفایی

است. هیچ‌کس نباید از مقررات این کنوانسیون برای تضييع يا محدود کردن حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر یا تضمین شده در حقوق بین‌المللی استفاده کند.

۲. اصل حاکمیت: دولت‌ها طبق منشور سازمان ملل متحد و اصول حقوق بین‌الملل حق دارند اقدام‌ها و سیاست‌هایی برای حفاظت و ترویج تنوع بیان فرهنگی در قلمرو خویش اتخاذ کنند.

۳. اصل تساوی منزلت و احترام همه فرهنگ‌ها: برای حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی، پذیرش شأن و احترام برابر برای همه فرهنگ‌ها، از جمله فرهنگ اقلیت‌ها و بومیان ضروری است.

۴. اصل هم‌بستگی و همکاری بین‌المللی: هدف همکاری و هم‌بستگی بین‌المللی باید توانمندسازی کشورها - به‌خصوص کشورهای در حال توسعه - در خلق و تقویت ابزار بیان فرهنگی - از جمله صنایع فرهنگی نوپا و تثبیت‌شده - در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی باشد.

۵. اصل مکمل‌بودن جنبه‌های اقتصادی و فرهنگی توسعه: فرهنگ یکی از سرچشمه‌های اصلی توسعه است. بنابراین جنبه‌های فرهنگی و اقتصادی آن اهمیت یکسان دارد. مشارکت در آن و بهره‌مندی از آن حق مسلم همه افراد و ملت‌هاست.

۶. اصل توسعه پایدار: تنوع فرهنگی سرمایه‌ای غنی برای افراد و جوامع است. حفظ، ترویج و نگهداری آن شرط اساسی تحقق توسعه پایدار به سود نسل حاضر و آینده است.

و تعامل آزاد فرهنگ‌ها به شیوه‌ای که منافع متقابل را تضمین کند. ج- تشویق گفت‌وگو میان فرهنگ‌ها به‌منظور تضمین مبادلات گسترده و متوازن فرهنگی در جهان برای احترام به فرهنگ‌ها و فرهنگ صلح. د- تقویت و توسعه مناسبات بین فرهنگ‌ها برای برقراری پیوند میان ملت‌ها. ه- ترویج احترام به تنوع بیان‌های فرهنگی و افزایش آگاهی از ارزش آن‌ها در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی. و- تأکید دوباره بر اهمیت ارتباط میان فرهنگ و توسعه برای همه کشورها، به‌خصوص برای کشورهای در حال توسعه و حمایت از اقدامات ملی و بین‌المللی که برای تضمین شناخت ارزش واقعی این ارتباط صورت می‌گیرد. ز- به رسمت شناختن ماهیت متمایز فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی به‌عنوان ابزار هویت، ارزش‌ها و معانی. ح- تأیید دوباره حق حاکمیت دولت‌ها، در حفظ، تصویب و اجرای سیاست‌ها و اقداماتی که برای حفاظت و ترویج بیان‌های فرهنگی متنوع در قلمروهای خود مناسب می‌دانند. ط- تقویت همکاری و هم‌بستگی بین‌المللی بر مبنای تشریک مساعی، برای حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی، به ویژه برای تقویت ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه».

در ماده ۲ این اعلامیه نیز اصولی اعلام گشته‌اند که با توجه بدان‌ها نسبیت‌گرایی فرهنگی و اثر آن بر حقوق بشر در فضای بین‌المللی در عین جهان‌شمولی قواعد امره حقوق بنیادین بشر کاملاً نمایان است: «اصول اساسی: ۱. اصل احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی: حفظ و ترویج تنوع فرهنگی فقط در پرتو تضمین حقوق بشر و آزادی‌های اساسی مانند آزادی بیان، اطلاعات و ارتباطات، همچنین آزادی افراد برای انتخاب بیان‌های فرهنگی، امکان‌پذیر

۷. اصلی دسترسی یکسان: دسترسی یکسان به گستره غنی و گوناگون بیان‌های فرهنگی در سراسر جهان و دسترسی فرهنگ‌ها به ابزار بیان و اشاعه عوامل مهم تقویت تنوع فرهنگی و تشویق تفاهم متقابل است.

۸. اصل سعه صدر و توازن: دولت‌ها به هنگام تدوین برنامه‌های حمایت از تنوع بیان‌های فرهنگی باید به روشی مناسب سعه صدر را در برابر سایر فرهنگ‌های جهان ترویج و سازگاری آن‌ها را با اهداف کنوانسیون حاضر تضمین کنند.

از جمله سایر اقداماتی که از سوی یونسکو در راستای تعالی صلح و احترام به تنوع فرهنگی صورت گرفته، شناسایی ثبت روزهای ۲۱ فوریه به عنوان «روز جهانی زبان مادری»، ۲۱ مارس به عنوان‌های «روز جهانی نوروز، روز جهانی شعر و روز جهانی رفع تبعیض نژادی»، ۲۱ می به عنوان «روز جهانی تنوع فرهنگی برای گفت‌وگو و توسعه»، ۹ آگوست به عنوان «روز جهانی بومیان جهان»، ۲۷ اکتبر به عنوان «روز جهانی میراث سمعی و بصری»، ۱۶ نوامبر به عنوان «روز جهانی تحمل»، ۱۰ دسامبر به عنوان «روز جهانی حقوق بشر» و همچنین ۱۸ دسامبر به عنوان «روز جهانی مهاجران» را می‌توان نام برد (UNESCO, 2013). در نتیجه اقدامات یونسکو صرفاً محدود به طراحی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی نیست بلکه اقدامات فرهنگی این نهاد که به صورت عملی صورت می‌پذیرد مانند نام‌گذاری روزهای مختلف، نیز در راستای تنوع فرهنگی می‌باشد.

۶. نتیجه

با در نظر گرفتن تنوع و پیچیدگی حاکم بر روابط میان تابعان و بازیگران حقوق بشر، و همچنین وجود سلسله مراتب هنجاری در نظام حقوق بشر بین‌المللی، نمی‌توان از میان رویکرد جهانشمولی و نسبیت‌گرایی، یکی را به صورت مطلق برگزید. واقعیت این است که در بطن روابط انسانی و مصادیق حقوق بشر، برخی مصادیق به حقوق بنیادین بازمی‌گردد که اساساً دارای ظرفیتی جهانشمول هستند. به تعبیری، مصادیق حقوق بنیادین بشر دارای ویژگی مرزناپذیری هستند. این حقوق در نظام حقوق بشر بین‌المللی دارای وصف آمره هستند به همین جهت نمی‌توان آن‌ها در چهارچوب رویکرد نسبیت‌گرایی تحلیل نمود. برای مثال حق حیات یا ممنوعیت شکنجه نمونه‌هایی از این قبیل هستند. در ارتباط با این مصادیق نیز در چهارچوب آموزه‌های اسلامی، یک رویکرد جهانی و مرزناپذیر وجود دارد. به تعبیری، در مواجهه با این مصادیق حقوق بشر، نظام حقوق بشر اسلامی نیز، حقوق مزبور را برای همه اعم از مسلمان و غیرمسلمان مورد شناسایی و حمایت قرار می‌دهد. اما در ارتباط با مصادیق حقوق غیربنیادین، ضرورت‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... مطرح می‌باشد. به تعبیری، در ارتباط با این مصادیق، نمی‌توان یک هنجار را در قامت یک اصل عمومی ارائه داد. در واقع در ارتباط با مصادیق غیربنیادین باید با در نظر گرفتن ضرورت‌های جوامع مختلف، یک هنجار منعطف و تغییرپذیر را ارائه نمود تا دولت‌ها در هر مورد با در نظر گرفتن شرایط خاص، به اعمال هنجار مزبور بپردازند. آموزه‌های اسلامی نیز در موارد حقوق غیربنیادین یک رویکرد نسبیت‌گرایی را اتخاذ نموده‌اند. برای مثال در امور راجع به احوال شخصی، هنجارها و مقررات مذهب متبوع افراد

ملاک عمل قرار می‌گیرد. به بیان ساده‌تر، با دقت در رویه نظام حقوق بشر بین‌المللی و نیز رویکرد اسلامی حقوق بشر، هیچ‌کدام از رویکردهای نسبیت‌گرایی یا جهان‌شمولی را نمی‌توان به صورت مطلق مورد پذیرش قرار داد. به بیان ساده‌تر، می‌توان بیان داشت که قواعد آمره، دارای وصف جهان‌شمول هستند؛ اما سایر هنجارهای غیر آمره، دارای لایه‌ای منعطف می‌باشند. در نتیجه، هنجارهای غیربنیادین با توجه به سطح نیازهای افراد هر جامعه و به تناسب امکانات و وجود زیرساخت‌ها، به صورت متغیر و گوناگون خواهند بود. در بررسی رویه و اسناد یونسکو نیز این امر ملموس است؛ در واقع، چنانچه مصادیقی از قواعد امری در اسناد و رویه‌های یونسکو مورد بحث و ارزیابی قرار گیرد، عملاً نهاد مزبور در جهت جهان‌شمولی در حال حرکت می‌باشد و چنانچه هنجارها و قواعد غیربنیادین مدنظر قرار گیرند، اسناد و رویه‌ها مزبور در جهت نسبیت‌گرایی حرکت می‌کند.

۷. سهم نویسندگان

نگارش متن توسط نویسندگان و نظارت علمی و اصلاحات نهایی توسط نویسنده پژوهشگر صورت گرفته است.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع

need for villains. In: Lang, Anthony and Antje Wiener, Handbook on Global Constitutionalism, Cheltenham, Edward Elgar, 2017.

- Ehrenberg, Kenneth M., The Functions of Law, Oxford, Oxford University Press, 2016.

- Hastrup, Kirsten, Human Rights on Common Grounds: The Quest for Universality. Hague: Kluwer; 2021.

- Holyoak, Keith J., and Robert G. Morrison, eds. The Cambridge handbook of thinking and reasoning. Cambridge, Cambridge University Press, 2005.

- Kapchan, Deborah, Cultural Heritage in Transit: Intangible Rights as Human Rights. Pennsylvania: Pennsylvania University Press; 2014.

- Leal, Rafael A., Essential Elements of the Rule of Law Concept in the EU, London, Queen Mary University of London, School of Law Legal Studies Research Paper No. 180, 2014.

- Loizidou, Elena, Judith Butler: Ethics, Law, Politics, London, Routledge, 2007.

- May, Larry, and Jeff Brown, eds. Philosophy of law: classic and contemporary readings. , Oxford, John Wiley & Sons, 2010.

- Sajó, András, Human Rights with Modesty: The Problem of Universalism. London: Springer; 2013.

- ذوالقدر، مالک؛ محمدزاده، وحید، «حقوق بشر و جهان‌بینی‌ها و نسبی‌گرایی»، دو فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی، شماره ۶، ۱۳۹۳.

- بختیاری، شهلا، قانون‌نامه مدینه، کیهان اندیشه، شماره ۷۵، ۱۳۷۶.

- صانعی، پرویز، حقوق و اجتماع، رابطه حقوق با عوامل اجتماعی و روانی، تهران، طرح نو، ۱۳۸۹.

- فرخی، رحمت‌اله؛ مصطفی، اعلائی، «اصل احترام به تنوع فرهنگی در اسناد بین‌المللی و رابطه آن با صلح»، فصلنامه تعالی حقوق، شماره ۱۹، ۱۳۹۶.

- فضائی، مصطفی؛ کرمی، موسی، «تحلیلی بر سیر تحول مفهوم فرهنگ در نظام بین‌المللی حقوق بشر و تأثیر آن بر ارتقای حقوق فرهنگی»، فصلنامه پژوهش‌های حقوقی، شماره ۴۲، ۱۳۹۹.

- فلاح‌زاده، علی‌محمد؛ موسوی، سید طه، «حقوق بشر اسلامی در مقایسه با حقوق بشر غربی: جهان‌شمولی یا نسبی‌گرایی؛ تحلیلی در راستای نقد روشنفکری دینی»، دو فصلنامه حقوق بشر و شهروندی، شماره ۱، ۱۳۹۵.

- کهریزی، رزیتا، «جهان‌شمولی و نسبیت فرهنگی در حقوق بشر بین‌الملل»، فصلنامه اندیشه‌های حقوق عمومی، شماره ۱۳، ۱۳۹۷.

- محسنی، محمدسالم؛ طالبی، محمدحسین، «چیستی حقوق بشر»، دو فصلنامه مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، شماره ۳۸، ۱۳۹۷.

- Aspremont, Jean, International legal constitutionalism, legal forms and the

- Sharpe, Robert, How Judges Decide. In: Rabeea Assy, Andrew Higgins, Principles, Procedure, and Justice: Essays in Honour of Adrian Zuckerman, Oxford, Oxford University Press, 2020.

- Siltala, Raimo. Law, truth, and reason: a treatise on legal argumentation. , London, Springer Science & Business Media, vol.97, 2011.

- UNESCO, “International Days | United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization”, 12 July 2013,

<http://www.unesco.org/new/en/unesco/events/prizes-and-celebrations/celebrations/international-days/>.

- UNESCO, “UNESCO in brief”, <https://www.unesco.org/en/brief#:~:text=UNESCO%20works%20to%20ensure%20that,platforms%20for%20development%20and%20cooperation.>

